تفکیک جزء الفرد از جزء الماهیه در مسأله قرائت در کلام مرحوم حکیم

استاد: وقتی یک فردی از ماهیت اعتباری را انجام میدهیم، میتوانیم در ضمن این فرد چیزهایی را بیاوریم. الآن یکی از بحثهای خوب این است: اگر نماز امام جماعت نماز اخفاتیه است، شما ساکت میشوید؛ قرائت نمیکنید و تنها ذکر جایز است. البته کراهت و ... جای خودش. اما اگر در نماز جهریه است و صدای امام بههیچوجه - حتی بهصورت همهمه - به شما نمیرسد، در اینجا قرائت جایز است. میتوانید خودتان قرائت کنید. چون نماز جهریه است و نماز جماعت به قدری وسیع است که همهمه ای از امام جماعت هم به شما نمیرسد. در اینجا سید فرمودهاند جایز است که قرائت کنید؛ «**و الاستحباب قوی**»؛ سید میگویند حتی مستحب است قرائت کند. بعد میگوید احوط این است که وقتی قرائت میکنید نه به قصد جزئیت باشد و نه به قصد وجوب.

آقای حکیم در آخر کار نظر شریفشان این میشود: میگویند قرائت بکند، هم به قصد جزئیت مانعی ندارد و هم به قصد وجوب. یعنی ولو در اصل مستحب است اما وقتی قرائت را میآورد قصد وجوب کند.

خُب در اینجا قرائت در نماز جماعت، با فرض اینکه میتواند هم قرائت نکند، اما در این حال قرائت میکند، این جزء الفرد میشود. یعنی الآن جزء الماهیة نبود ولی با وصف وجوب، جزء الفرد بود. چه چیزی این را جزء او کرد؟ یک حکم تکلیفی دلیل که گفت وقتی همهمه را نمیشنوی بخوان. این حکم تکلیفی، این قرائت عند عدم سماع همهمه را جزء الفرد کرده، درعینحالی که همین قرائت جزء طبیعت نیست. فلذا میتوانید نخوانید. عمداً میتوانید نخوانید. پس معقول شد.

شاگرد: یعنی یک اعتبار جداگانه برای فرد شد؟

استاد: بله. اینها سؤالات مهمی است که این بزرگانی که اینها را فرمودند چطور به این صورت میگویند. این را از جای دیگر عرض کردم. در جلد هفتم، صفحه دویست و پنجاه و هشت، در نماز جماعت.

> **لا مانع من الإتيان بها بقصد الجزئية والوجوب، فإنها وإن لم تكن جزءاً من الماهية الواجبة ، لكنها جزء من الفرد الذي تنطبق الماهية الواجبة عليه بتمام أجزائه التي منها القراءة ، نظير انطباق الماهية التشكيكية على المرتبة القوية ، فتتصف القراءة بالوجوب بعين اتصاف سائر أجزاء الصلاة به. فتأمل جيداً**

> **[1]**

«لا مانع من الإتيان بها بقصد الجزئية والوجوب»؛ قرائت را میخواند؛ هم جزء الصلات است و هم واجب است؛ برای کسی که بخاطرهمهمه، قرائت امام را نمیشوند.

پس این سؤالات هست؛ پس ممکن است جزء الفردی تصور کنیم که جزء ماهیت نیست. اتفاقا عرض من این است: دو امتناعی که ایشان اول فرمودند، در فضای استدلال باید خیلی مواظب باشیم. یک امتناع میآید و چه آثاری بر آن بار میشود. در اینکه نماز باطل هست یا نیست، در مستمسک شاید بالای ده مورد فتوای مرحوم حکیم هست که متفرع بر همین مبنای ایشان است. میگویند ما گفتیم اجزاء مستحبی جزء نیست، پس باطل نیست. خیلی از جاهایی که دیگران میگویند باطل است، مرحوم آقای حکیم روی مبنای خودشان میگویند باطل نیست. یعنی اثر فقهی دارد.

اگر به این صورت است، پس فکر کردن در مراحل ثبوتی جعل ماهیت صلات، احکام طولی وضعیت برای صلات و اینکه چند وضع طولی متصور است، خیلی لطیف و دقیق میشود. میبینید بزرگان فقها تحلیلهای مختلفی از ادله شرعیه ارائه میدهند و این تحلیلها با هم فرق میکند.

---

[1] مستمسك العروة الوثقى نویسنده : الحكيم، السيد محسن جلد : ۷ صفحه : ۲۵۸

بازبینی #1
ایجاد شده 3 مه 2026 12:41:17 توسط ... .
به روزرسانی شده 3 مه 2026 12:42:51 توسط ... .